

یادداشت

الزامات پس از مواجهه مقتدرانه



محمد مهدی مظاهری

تحلیلگر مسائل بین الملل

در هفته‌های گذشته شاهد تغییر مرکز ثقل تحولات و بحران‌ها از جنگ غزه در شرق مدیترانه به سمت منطقه غرب آسیا بودیم، تحولاتی که دورنمایی از توسعه میدان جنگ و گسترده‌تر شدن سطح درگیری‌ها را به تصویر کشید. نقطه آغاز این شرایط بحرانی، حمله رژیم اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه بود که نه تنها سبب شهادت سیزده تن از مستشاران نظامی ایران و شهروندان سوری شد، بلکه تخریب کامل ساختمان کنسولگری را نیز به دنبال داشت. در پی این اقدام که نقض فاحش حقوق بین الملل بود، جمهوری اسلامی ایران ابتدا منتظر واکنش جامعه جهانی و نهاد‌های بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل شد تا در صورت امکان، پاسخی حقوقی به این تجاوز آشکار بدهد؛ اما بعد از اینکه مشخص گردید دولت‌های غربی استانداردهای دوگانه خویش را به شورای امنیت نیز تسری داده‌اند و قصدی برای مواجهه با عمل خطای رژیم اسرائیل ندارند؛ ایران وارد فاز عکس العمل فردی به تعدی این رژیم شد و حمله موشکی و پهپادی ۱۴ آوریل را کلید زد. رژیم اسرائیل هرچند تلاش کرد برای پاسخ به این حمله ایران، ائتلافی جهانی شکل دهد و با یاهو سرایی در رابطه با تهدیدات هسته‌ای احتمالی از سوی کشورمان، نگرانی آمریکا و کشورهای غربی را تحریک کرده و آنها را با خود همراه کند، اما در این مسیر موفق نبود و به ناچار حمله‌ای تکرانه، بدون تلفات و ناچیز به اصفهان و البته برخی مواضع جبهه مقاومت در منطقه انجام داد. هر چند مقامات کشورمان بیش از این حمله اعلام کرده بودند در صورت عملیات تلافی جویانه رژیم اسرائیل به خاک ایران، سریع و سخت به آن پاسخ خواهند داد؛ اما حمله اسرائیل به حدی کم اثر بود که به نظر نمی‌رسد جمهوری اسلامی ایران قصد پاسخگویی به آن را داشته باشد. با این وجود رسیدن اوضاع منطقه به این شرایط و قرار گرفتن در لبه مرز جنگ منطقه‌ای حاوی برخی درس‌ها و نکات است که باید به آن توجه کرد. در درجه نخست به نظر می‌رسد در عصر حاضر، طرح آمریکا و کشورهای اروپایی، تضعیف سازمان ملل و مکانیسم‌های حقوقی و در عوض، تقویت جایگاه قدرت و نفوذ در عرصه بین‌المللی است؛ به این ترتیب که این کشورها همچون دوران جنگ سرد بازنده کردن رقابت‌های قلبی و بلوکی و اتخاذ رویکردهای غیر عقلانی و غیر حقوقی، مانع عملکرد دقیق و صحیح شورای امنیت در انجام رسالت اصلی خود یعنی حفظ صلح و امنیت جهانی می‌شوند و پس از آن می‌کوشند مشکلاتی که از اتخاذ چنین رویکردی حاصل می‌شود را از طریق رایزنی‌های دو جانبه و چند جانبه و توافقات پشت درهای بسته حل و فصل کنند. در چنین شرایطی شاهد هستیم که بازیگری همچون ایران بعد از مواجهه با سکوت و بی‌عملی شورای امنیت در برابر حمله به یک مکان دیپلماتیک، ناچار به اقدام فردی علیه تجاوزگر می‌شود؛ سپس قدرت‌های بزرگ برای جلوگیری از یک جنگ فراگیر وارد عمل می‌شوند و با رایزنی‌ها و رفت و آمدهای دیپلماتیک خود ایگوکه به جهان افشاء می‌کنند که مانع جنگ شدید؛ این در حالی است که همین قدرت‌ها می‌توانستند با تصویب یک قطعنامه شدید‌الحن علیه رژیم اسرائیل، حمله آن به کنسولگری ایران را محکوم کنند و با وضع برخی اقدامات تنبیهی مشترک، حقوق و منافع ایران را تأمین کنند و جلوی تنش‌ها و بحران‌های بعدی را بگیرند. این رویکرد خطرناک است و حقوقدانان و مقامات کشورها باید به فکر اصلاح این رویه ناسالم در سازمان ملل باشند. نکته دوم در رابطه با تحولات اخیر وابستگی و تبعیت شدید اسرائیل از آمریکا و کشورهای غربی است. بحران اخیر نشان داد رژیم اسرائیل در برابر حمایت‌های گسترده کشورهای غربی، به ناچار بخش بزرگی از آزادی عمل و استقلال خود را از دست داده و برای حفظ و تداوم این حمایت‌ها چاره‌ای جز حرکت در مسیر مد نظر کشورهای غربی ندارد. بعد از حمله وسیع و افراطی رژیم اسرائیل به شدت از سوی نیروهای تندروی داخلی تحت فشار قرار گرفت تا به این حمله پاسخ دهد، شخص نتانیاهو نیز به دلیل مشکلات داخلی و چالش‌های جنگ غزه، بسیار علاقه مند بود تا با توسعه میدان جنگ، از شعاع اولیة اش می‌بازد؛ رژیم اسرائیل، دولت راسنترگر جدیدی برای شکل دهی به ائتلاف جهانی علیه ایران تعریف کند. اما عدم همراهی آمریکا و کشورهای اروپایی، این رژیم را در شرایطی قرار داد که به صورت تکرانه و البته به گونه‌ای دست به تلافی بزند که منجر به تداوم و تشدید تنش‌ها شود؛ در نتیجه حمله‌ای صورت گرفت که حتی از دید مقامات امنیت داخلی خود این رژیم نیز ضعیف و ناچیز بود و اگر تمام عملیات تلافی جویانه اسرائیل در همین حمله خلاصه شود، چیزی جز پیام ضعف، وابستگی و درماندگی را مخابره نکرد. کما اینکه رژیم اسرائیل در مقابل به حمله جمهوری اسلامی ایران به خاک خود نیز نشان داد که به صورت فردی قادر به دفاع از سرزمین‌های اشغالی تحت حاکمیت خود نیست و بدون کمک آمریکا، کشورهای اروپایی و کشورهای همسود منطقه، نمی‌تواند حملات علیه خود را دفع کند. نکته سوم اما به جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد؛ در شرایط کنونی برنده منازعات منطقه‌ای چند هفته اخیر ایران بوده که نمایشی قدرتمند از دفاع از خاک خود و مکان‌های دیپلماتیکش به جای گذاشت و توانست سطح مناسبی از بازدارندگی را در برابر رژیم اسرائیل ایجاد کند. با این وجود، حفظ ملیت و موقعیت نیازمند تدابیری در عرصه داخلی و منطقه‌ای است. در عرصه منطقه‌ای لازم است جمهوری اسلامی ایران شرایط را به گونه‌ای ساماندهی کند که تمرکز جامعه جهانی به سمت آتش بس در غزه و پایان دادن به رنج و محنت بی‌شمار مردم فلسطین بازگردد و هر چه سریع‌تر به این جنگ نابرابر و ضد بشری اسرائیل علیه مردم غزه پایان داده شود. همچنین لازم است رایزنی‌های گسترده‌ای در قالب دوجانبه و چند جانبه بین ایران، روسیه، چین، عراق، ترکیه و پاکستان در مورد همکاری‌های اطلاعاتی - امنیتی و دفاعی - نظامی صورت بگیرد و ایران با تقویت همکاری‌های راهبردی بلندمدت با این کشورها، تعداد متحدان خود را برای مواجهه با شرایط بحرانی مشابه در آینده افزایش دهد.

سده شنبه
۱۴۰۳ • ۰۲ • ۰۴
شماره هفتم
۱۸۱۲

armanmeli.ir

۱۴ شوان ۱۴۴۵ / ۲۳ آوریل ۲۰۲۴



بهمین آرمان در گفت و گو با «آرمان ملی»:

مدیران اقتصادی به اقیانوس‌های نیم میلیمتری تبدیل شده‌اند

انتشار اوراق گواهی ویژه نرخ تورم را
افزایش داده است

جریان رانت همچنان فساد مالی را
در کشور تغذیه می‌کند

آرمان ملی - احسان انصاری: «ما با یک پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که برخی از مدیران کشور بدون نظر گرفتن مبانی علمی، اقدام به اظهار نظر و در نهایت اخذ تصمیماتی می‌کنند که این اقدامات جز آسیب به اقتصاد کشور و کوچک کردن سفره مردم پیامد دیگری ندارد. به عبارتی این مدیران به جای اینکه تکنوکرات باشند و در رشته خودشان دارای تخصص باشند، تبدیل به اقیانوسی به عمق نیم میلی متر شده‌اند. آنها در مورد هر مسأله‌ای اظهار نظر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و بعد آن تصمیم را تبدیل به قانون می‌کنند یا در نهایت در قالب مصوبه دولت به اجرا می‌رسانند. جملات ذکر شده اظهارات دکتر بهمن آرمان درباره سیاست‌های اقتصادی دولت در ماه‌های اخیر در گفت و گو با «آرمان ملی» است. آرمان در این گفت و گو ادامه می‌خوانید.

نوسان بازار سرمایه همچنان در سال ۱۴۰۳ نیز ادامه پیدا کرده و مدیران اقتصادی دولت تلاش می‌کنند توپ را به زمین دیگری بیندازند. چرا دولت در سه‌ماه تورم و کنترل بازار سرمایه عملکرد موثقی نداشته است؟

واقعیت این است که ما با یک پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که برخی از مدیران کشور بدون نظر گرفتن مبانی علمی، اقدام به اظهار نظر و در نهایت اخذ تصمیماتی می‌کنند که این اقدامات جز آسیب به اقتصاد کشور و کوچک کردن سفره مردم پیامد دیگری ندارد و نمی‌توان از آن انتظار داشت. به عبارتی این مدیران به جای اینکه تکنوکرات باشند و در رشته خودشان دارای تخصص باشند، تبدیل به اقیانوسی به عمق نیم میلی متر شده‌اند. آنها در مورد هر مسئله‌ای اظهار نظر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و بعد آن تصمیم را تبدیل به قانون می‌کنند یا در نهایت در قالب مصوبه دولت به اجرا می‌رسانند. یکی از مواردی که به ناگهی رخ داده اقدام بانک مرکزی در مورد انتشار گواهی سپرده ویژه مدت دار با نرخ بهره ۳۰ درصد بود. به رغم اینکه اعلام شده بود مردم فرصت دارند که در عرض یک هفته اقدام به خرید این اوراق کنند، در روز اول همه اوراق تمام شد. از آنجا که رانت جزئی از اقتصاد ایران است، کسانی که اطلاعات درونی داشتند و دارای سپرده حساب جاری یا سپرده بانخ ۲۳ درصد بودند، سپرده‌های خود را تبدیل به این اوراق کردند. نکته جالب اینکه این مسأله در زمانی رخ داد که مرکز آمار نرخ تورم ایران را بالاتر از ۴۲ درصد اعلام کرده است. یعنی کسانی که اوراق گواهی سپرده ویژه مدت دار را بانخ ۳۰ درصد خریداری کرده‌اند، می‌دانند که در زمان بازپرداخت، قدرت خرید پولشان ۱۵ درصد کمتر از آن زمانی است که در بانک سپرده‌گذاری کرده‌اند.

اوراق سپرده مدت‌دار با توجه به چه اهدافی توسط دولت منتشر می‌شود؟

این اوراق برای اجرای پروژه‌های خاصی منتشر می‌شود. یعنی می‌گویند ما می‌خواهیم چنین اوراقی را برای ساختن یک آزادراه یا برای تکمیل یک کارخانه نیمه تمام بفروشیم. گاهی اوراق سپرده مدت‌دار برای ساختن یک شهرک مسکونی ۱۰ هزار واحدی فروخته می‌شود. در نهایت هم امتیازهایی را برای ایجاد انگیزه در خریداران در نظر می‌گیرند. مثلاً می‌گویند کسانی که اوراق سپرده مدت‌دار ساخت آزاد راه را خریداری کنند، به مدت پنج سال تخفیفی معادل ۱۰ درصد برای استفاده از این مسیر دریافت می‌کنند. یا کسانی که اوراق سپرده ویژه ساخت یک شهرک مسکونی ۱۰ هزار واحدی را تا سقف معینی خریداری کنند، برای واگذاری واحدهای مسکونی ساخته شده در اولویت هستند. یک سیستم انگیزشی دیگری هم برای دارندگان این گونه اوراق در نظر می‌گیرند و می‌گویند کسانی که این خانه‌ها به آنها تعلق می‌گیرد، تخفیفی برابر ۱۰ درصد قیمت روز بازار یا کارشناس رسمی دادگستری مورد تایید سازمان

پرسش اینجاست که چرا چنین گواهی‌های سپرده ویژه مدت داری برای ساخت آزادراه‌های دیگر و یا ساخت مسکن که رئیس جمهور هم در کمپین‌های تبلیغاتی پیش از ریاست جمهوری و هم پس از احراز پست ریاست جمهوری مبنی بر ساخت چهار میلیون مسکن کردند از چنین مکانیزمی استفاده نمی‌شود

طول یکی دو سال اخیر اتفاق افتاده است، این رقم که قبلاً متناسب با استانداردهای بین‌المللی بود، تغییر کرد.

چرا این اتفاق رخ داد و چه پیامدهایی برای اقتصاد کشور داشت؟

در گذشته هزینه انرژی در فولاد مبارکه که بزرگ‌ترین واحد فولادسازی ما است، به علت مدرن‌تر بودن تجهیزاتش ۹ درصد بود که با عربستان سعودی تفاوت آنچنانی نداشت. در فولاد خوزستان که دارای تکنولوژی پایین‌تری است، این هزینه ۲۰۹ درصد بود، اما اکنون در کارخانه‌های فولادسازی ایران به‌طور میانگین هزینه انرژی ۴۰۱۶ درصد رسیده است. با این رقم چطور می‌شود فولاد تولید کرد و در بازارهای جهانی فروخت؟ قیمت گاز طبیعی که به واحدهای پتروشیمی داده می‌شود، در منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا ۵،۲ سنت در هر مترمکعب است. در حالی که در ایران ۱۳ سنت است. در سال جاری قرار است باز هم این رقم افزایش یابد. با توجه به استقبال مردم از انتشار اوراق گواهی ویژه مدت دار، اگر این اوراق را برای تکمیل یک آزادراه مثلاً کردید و شمال جنوب یا آزاد راه اوهان، به اندامیکس می‌فروشید و این پروژه‌ها را تکمیل می‌کردند، در مصرف سوخت صرفه جویی می‌شد و تلفات جاده‌ای کاهش می‌یافت. اگر آزادراه تهران به تبریز را که به مرز بازرگان می‌رود، تکمیل کنند، سالانه چند میلیارد دلار درآمد ارزی از طریق ترانزیت کالا نصیب کشور می‌شود. ما می‌توانستیم با این اوراق، چنین پروژه‌هایی را تأمین مالی کنیم. در سفر رئیس جمهور به استان فارس آزادراه نیمه تمام اصفهان شیراز افتتاح شد. در صورتی که از اصفهان تا مرز استان فارس، هیچ‌گونه اقدامی تا کنون انجام نگرفته بود. ولی وزارت راه و شهرسازی با پخش تیزرهای تلویزیونی متعدد اعلام کرد که در اثر کاهش مسافت پس از احداث این آزادراه به میزان ۲۰۰ کیلومتر، ۶۰ هزار میلیارد ریال صرفه جویی در مصرف سوخت خواهد شد.

حال پرسش اینجاست که چرا چنین گواهی‌های سپرده ویژه مدت داری برای ساخت آزادراه‌های دیگر و یا ساخت مسکن که رئیس جمهور هم در کمپین‌های تبلیغاتی پیش از ریاست جمهوری و هم پس از احراز پست ریاست جمهوری مبنی بر ساخت چهار میلیون مسکن کردند از چنین مکانیزمی استفاده نمی‌شود. من دو بار با معاون اقتصادی وزارت راه و شهرسازی تماس گرفتم تا به او بگویم که در شرایط فعلی دولت و سیستم بانکی امکان تأمین منابع مالی لازم برای تحقق چنین کاری که عملاً به صورت یک رویا برای قشرهای جوان و کمتر برخوردار تبدیل شده است را ندارد.

اگر انتشار گواهی سپرده ویژه برای کار خاصی باشد، نه تنها متناسب با علم اقتصاد است و شبیه آن چیزی است که در سایر کشورها انجام می‌شود، بلکه باعث کاهش نرخ بیکاری، افزایش رشد اقتصادی و کاهش مصرف سوخت خواهد شد. گویا عواملی دست به دست هم داده‌اند که در نهایت ایران رشد اقتصادی نداشته باشد. یک طرفش سیاست‌گذاری بانکی است و در سوی دیگر جریان‌های رانت قرار دارند که فساد مالی را تغذیه می‌کنند.

نگره

چین ۲۲-F آمریکا را فلج کرد!

محققان چینی که با نیروی هوایی این کشور همکاری می‌کنند، اخیراً از ساخت و توسعه فناوری راداری جدیدی خبر داده‌اند که می‌تواند جنگنده‌های رادارگریزی مثل F-۲۲ آمریکا را به راحتی شناسایی کند. این در حالی است که جنگنده‌های F-۲۲ آمریکا به خاطر قابلیت رادارگریزی‌شان، شهری بین‌المللی دارند و به گفته ارتش آمریکا، این هواپیماها به خاطر طراحی خاص شان، پیشرفته‌ترین جنگنده جهان به شمار می‌روند. سطح مقطع راداری (RCS) این جت‌های جنگنده، بسیار کوچک و به اندازه حدود ۰۰۰۰۰۰۰۰ مترمربع (کمتر از یک تپله شیشه‌ای) است و همین ابعاد کوچک، کار سیستم‌های راداری معمولی را برای ردیابی این جت‌های جنگنده بسیار سخت می‌کند. حالا چینی‌ها مدعی شده‌اند که راداری با قابلیت شناسایی این جنگنده‌ها ساخته‌اند و تیمی از محققان به سرپرستی ژنی جون‌وی از دانشگاه مهندسی نیروی هوایی شیآن، نتیجه تحقیقات شان را در مجله معتبر دانشگاه هوانوردی و فضاوردی پکن منتشر کرده‌اند.

مأموریت مخفی

از قرار معلوم، فناوری جدید، قابلیت بالایی در شناسایی جنگنده‌های رادارگریز دارد و می‌تواند جنگنده رادارگریزی را با پیکربندی مشابه F-۲۲ در شرایطی قابل مقایسه با یک جت جنگنده معمولی با RCS بیش از ۶ مترمربع قرار دهد. این بدین معناست که قدرت تشخیص این رادار در شناسایی هواپیمای رادارگریز F-۲۲، افزایش حدوداً ۶۰ هزار برابری داشته که در مقایسه با سیستم‌های راداری معمولی تفاوت زیادی دارد. محققان چینی در عین حال پویا شده‌اند که می‌توانند جنگنده F-۲۲ را در یک منطقه جنگی پهناوری به وسعت حدود ۶۳ هزار کیلومتر مربع شناسایی کنند و در تعیین موقعیت لحظه‌ای F-۲۲ با دقتی مثال زدنی، به نتایج خوبی دست یافته‌اند. حاشیه خطای رادار هنگام ردیابی جنگنده رادارگریز، کمتر از ۱/۵ متر بوده که این داده‌ها برای هدایت جنگنده‌های رهگیر موشک‌های پدافند هوایی کافی است و در نتیجه برتری و قابلیت رادارگریزی جنگنده‌ای مثل F-۲۲ را اذخنی می‌کند.

رویکرد فناوریانه

تا پیش از این، چین از رادارهای ضد هوایی زیادی استفاده کرده بود و حالا با بهره‌گیری از این فناوری جدید قصد دارد تا در این زمینه فراتر برود. در این سیستم از رادارهای متعددی برای اسکن زوایای مختلف استفاده می‌شود که با هم پوی به نام «زمان بندی منابع هوشمند» ترکیب شده‌اند. این سیستم زمان بندی به صورت پویا (دینامیک)، منابع شناسایی را به سمت «در معرض دید» ترین بخش جت جنگنده رادارگریز تغییر می‌دهد و دقت تشخیص راداری آن را به حد اکثر می‌رساند. طبق گفته‌های این تیم، این سیستم تنها به سه دستگاه رادار نیاز دارد که امکان نصب آنها در خشکی، جزیره، کشتی و حتی هواپیماها وجود دارد. در صورتی که ادعاهای چینی‌ها صحت داشته باشد، فناوری رادار جدید می‌تواند پیامدهای قابل توجهی بر ارتش چینی رزمی F-۲۲ داشته باشد، چرا که F-۲۲ با اتکا به قابلیت رادارگریزی‌اش می‌تواند قبل از حمله به اهداف با موشک‌های هوا به هوا یا برد موثر حدود ۱۰۰ هزار متری، از پدافند هوایی دشمن فرار کند. این حملات با بمب‌های هدایت دقیق روی زمین، جنگنده رادارگریز باید در شعاع بیست هزار متری باشد. اما حالا سیستم راداری جدید چین مدعی است که می‌تواند این مزیت کلیدی F-۲۲ را مهار کند. به گفته محققان، این رادار چینی می‌تواند مختصات دقیق و سرعت حرکت F-۲۲ را تنها در ۰۰۸ ثانیه حساسه کرده و به علاوه قابلیت ردیابی هر جنگنده رادارگریز در یک سازماندهی مهاجم F-۲۲ را تنها در ۰۲ ثانیه درآورد.

تکامل نبردهای هوایی

با تشدید تنش‌ها در منطقه آسیا و اقیانوسیه، تحولاتی این چنینی رادار دنیای فناوری نظامی و هوایی شاهد هستیم و چین قادر است تا با بهره‌گیری از این فناوری جدید راداری، در مناطقی از جمله دریای چین جنوبی و اقیانوس آرام غربی از حریفان پیشی بگیرد. از سوی دیگر چنین‌ها تولید جنگنده‌های رادارگریز J-۲۰ خود را نیز افزایش داده‌اند، چرا که آنها جنگنده‌های F-۲۲ آمریکا را مستقر در زمین‌ها به منزله تهدیدی برای زیرساخت‌های ساحلی خود می‌دانند. در عین حال، آمریکا هم به مدرن‌سازی بیش از ۱۰۰ فروند F-۲۲ پرداخته و این نکته را در نظر داشتن اینکه آمریکا روند تولید جت‌های F-۲۲ را به دلیل هزینه‌های بالا متوقف کرده بود، قابل توجه است. این مسائل حکایت از یک مسابقه تکنولوژیک در نبردهای مدرن هوایی دارد که بدین ترتیب، طرفین به دنبال یافتن برتری و سبقت از یکدیگر در شناسایی و در عین حال تقویت قابلیت‌های دفاعی‌شان هستند. مهم‌ترین پرسشی که در محافل سیاسی و آندیشکده‌های نظامی مطرح شده، رویکرد چین در به اشتراک‌گذاری فناوری جدید است. چین چنین‌ها مانند ایالات متحده که جنگنده F-۲۲ را به هیچ‌کس از دیگر هم‌پیمانان خود نفروخته، فناوری رادار ضد پنهان‌کار را انحصاری استفاده می‌کند یا به توجه به گسترش جنگنده‌های موشک‌های پنهان‌کار، این رادار اختیار دیگر شرکای راهبری خود، خواهد گذاشت؟

اکنون در کارخانه‌های فولادسازی ایران به‌طور میانگین هزینه انرژی به ۴۰۱۶ درصد رسیده است. با این رقم چطور می‌شود فولاد تولید کرد و در بازارهای جهانی فروخت؟ قیمت گاز طبیعی که به واحدهای پتروشیمی داده می‌شود، در منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا ۵،۲ سنت در هر مترمکعب است. در حالی که در ایران ۱۳ سنت است